



Social Apathy, Causes and consequences (Case Study of Hamedan)

Asadollah Naghdi¹ | Mahbubeh Rueentan² |

1. Corresponding author, Department of Social Sciences, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-ali Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: naghdi@basu.ac.ir
2. Department of Social Sciences, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-ali Sina University, Hamedan, Iran. E-mail: termeh_mr@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 02 September 2022

Received in revised form: 21
December 2022

Accepted: 22 January 2023

Published online: 10 April 2023

Keywords:

Apathy, Development, Cultural
Capital, Hamedan,
Participation.

ABSTRACT

Some sociologists, such as Georg Simmel, have identified alienation and oddity as a characteristic of modern and urbanized societies, with their emergence in metropolitan areas. Cognitive, behavioral, and affective dimensions of apathy are the most prominent theoretical frameworks. According to social specialists, feelings of loneliness and isolation, senselessness and absurdity, abnormality and pessimism are indicators of alienation from family, society, and organizations. It is evident in the social passivity of some citizens. Apathy is defined as a lack of active engagement and participation in social and political activities. One of the primary objectives of planning in the new world is to encourage the active participation and engagement of citizens in all sociopolitical dimensions. Increasing social apathy is a result of the unfavorable aspects of exogenous modernization, which is exemplified by an overemphasis on personal preferences and individualistic interests in contemporary urban life and is viewed as an impediment to the formation of positive social relationships and the expansion of citizen participation in social affairs. It impedes or even halts the development of the nation.

This study is a survey, and the questionnaire created by the researcher was used to collect data. The statistical population consists of 350 adults older than 18 years old.

According to numerous experts on social issues, apathy is an injury that occurs in transitioning and contemporary societies. As a consequence of the rapid transition from the pre-modern to modern era and the currents of modernization, apathy is prevalent in developing countries, according to the findings of researchers. In exceptional circumstances (such as war, natural disasters, and disease), Iranians are extremely empathetic and compassionate. However, due to the aforementioned factors, a pattern of cleverness and specialization is sometimes observed in daily life, for example, in bread lines, store lines, and ticket lines, etc. Consequently, in the civil and social sectors, including respecting the rights of others and the environment, etc., we face "objective or practical apathy" even among those with a positive attitude in subjective.

According to findings, the apathy index in Hamedan was moderate to high for the majority of respondents. It can be argued, based on the experiences of developed countries, that economic progress and social development necessitate the "promotion of empathy and reduction of apathy."

Cite this article: Naghdi, S. & Rueentan, M. (2023). Social Apathy, Causes and consequences (Case Study of Hamedan). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 12 (1),87-104. <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.348102.1336>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.348102.1336>

**بی تفاوتی اجتماعی؛ چرایی و چگونگی و پیامدها****(مورد مطالعه: شهر همدان)**اسداله نقدی^۱ | محبوبه رویین تن^۲۱. نویسنده مسئول، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: naghdi219@basu.ac.ir۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: termeh_mr@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	یکی از مسائل اجتماعی در سال‌های اخیر در بسیاری از شهرها و حتی در مقیاس کشوری که برخی شاخص‌ها و بعضی محققان بر آن تأکید و به آن اشاره کرده‌اند، افزایش بی تفاوتی اجتماعی است؛ یعنی دوری و امتناع اجتماع از مشارکت، احساس تعهدنداشتن و بی مسئولیتی. در این مقاله با استفاده از روش اسنادی و پیمایش، وضعیت بی تفاوتی اجتماعی در همدان بررسی شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۱	روش این مطالعه پیمایشی و ابزار پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری این پژوهش افراد بالای ۱۸ سال به بالا و حجم نمونه ۳۵۰ نفر است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۹/۳۰	در شرایط خاص (جنگ، سوانح طبیعی، بیماری و...) مردم بسیار حمایت‌گر و حساس هستند، اما به دلایل پیش گفته در جریان زندگی روزمره، مثلاً صف نان، فروشگاه‌ها، بلیت و... نوعی الگوی مبتنی بر زرنگی و خاص‌گرایی شدید مشاهده می‌شود و در عرصه‌های مدنی و اجتماعی، مراعات حقوق دیگران، رعایت محیط‌زیست و... با «بی تفاوتی عملی» مواجه هستیم؛ حتی اگر به لحاظ نظری نگرش مثبتی وجود داشته باشد.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲	بی تفاوتی در این مطالعه در شهر همدان برای حدود نیمی از پاسخ‌گویان متوسط و بالا بوده است (نیم دیگر هم به درجاتی با بی تفاوتی مواجه بودند) که این نشان می‌دهد توسعه شهر، استان و کشور با این شدت اجتماعی با چالش مواجه است و به ترمیم و تحول دارد. در شهر همدان که یکی از قطب‌های مهم تاریخی و فرهنگی مدیران و برنامه‌ریزان است، با شناخت این مسئله باید بسترهای لازم را برای افزایش همدلی و کاهش بی تفاوتی فراهم کرد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱/۲۱	
کلید واژه‌ها:	
بی تفاوتی اجتماعی، توسعه، سرمایه فرهنگی، مشارکت، همدان.	

استناد: نقدی، اسداله و رویین تن، محبوبه (۱۴۰۲). مطالعه انتقادی تحولات نئولیبرالی آموزش عمومی در ایران پس از انقلاب. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*,<https://doi.org/10.22059/jisr.2023.348102.1336>، ۸۷-۱۰۴، (۱)۱۲

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2023.348102.1336>

۱. مقدمه و طرح مسئله

یکی از آفت‌های جوامع جدید که مملو از پیچیدگی‌ها، غریبگی و شهری‌شدن است و برخی جامعه‌شناسان مانند زیمل نیز از اوایل قرن نوزده در این باره هشدار داده‌اند، ظهور و بروز از خودبیگانگی در بحران‌های اجتماعی و اقتصادی است. یکی از پیامدهای از خودبیگانگی نیز گسترش بی‌تفاوتی است. بی‌تفاوتی در جامعه نوعی بیماری اجتماعی شناخته می‌شود که در مقابل همدلی، نوع‌دوستی و سلامت اجتماعی قرار دارد. مردم ایران در شرایط خاص مثل جنگ، وقوع زلزله، سیل و بیماری‌های همه‌گیر مانند کرونا بسیار حساس، اهل حمایت و نوع‌دوستی هستند، اما در زندگی عادی و روزمره با بی‌توجهی و بی‌تفاوتی به برخی کنش‌های نوع‌دوستانه، بی‌عدالتی، نابرابری، زورگویی، گران‌فروشی، فساد اداری، منافع آیندگان، حقوق ضعیف و حفاظت از محیط‌زیست و زرنگی در مناسبات اجتماعی مواجه هستیم. این بی‌علاقگی، بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی افراد به مشارکت اجتماعی-سیاسی، مسئولیت‌های اجتماعی، فعالیت‌های دگرخواهانه و درگیری فعال مدنی در مسائل اجتماعی، نشانگر انسان و جامعه‌ای است که یا با مسئله‌ای اجتماعی مواجه است یا تکامل و توسعه لازم را نیافته است (نبوی و همکاران، ۱۳۹۳).

یکی از شروط اساسی و لازم برای پیشرفت جامع و توسعه همه‌جانبه، گسترش انسجام، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل فرد-جامعه-دولت و دوری از بی‌تفاوتی اجتماعی است که متأسفانه در کشورهای جهان‌سومی مانند ایران، کمتر به این مقوله توجه می‌شود. محققان معتقدند ایران مانند دیگر جوامع در حال توسعه و گذار، در شرایط آنومیک ناشی از گذار شتابان از جامعه پیش‌مدرن به مدرن و شهری‌شدن سریع است و چنین روندی لاجرم با خود تنش‌های اجتماعی، تضاد و کاهش انسجام اجتماعی را به همراه دارد (محسنی تبریزی و صداقتی‌فرد، ۱۳۹۰، ۲؛ چلبی، ۱۳۷۵؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸).

بی‌تفاوتی^۱ اجتماعی به دوری و امتناع اجتماع از موضعی مشخص و دوری از مداخله و مشارکت اجتماعی و سیاسی اشاره دارد. این امر با احساس بی‌تعهدی، بی‌مسئولیتی و نداشتن درک مسائل اجتماعی، به شکلی بارز نمود می‌یابد و مردم با خودداری از مشارکت سیاسی، به امور روزمره مشغول می‌شوند (تقوی، ۱۳۹۲: ۱۱۶). رفیع‌پور به نقل از ثویتس می‌گوید: اگر انسان در محتوای احساسی با دیگران همدل شود، روابط به‌طور احساسی، مثبت و به‌طور جهشی تقویت می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۱۵). سیدنی وربا^۲ شکل‌گیری اجتماع و فرایندهای داده و ستاده درباره آن را در گرو وجود افرادی می‌داند که عاملان اجتماعی شناخته می‌شوند. در هر اجتماع شبکه‌ای، بخشی از افراد جامعه وجود دارند که در برابر مسائل جامعه کمتر اظهار علاقه می‌کنند و با کناره‌گیری از مشارکت به شکلی منزوی ظاهر می‌شوند و بی‌تفاوت هستند (چین و زانگ، ۱۹۹۹: ۲۸۲-۲۸۳).

درواقع بی‌تفاوتی اجتماعی نقطه مقابل پدیده مشارکت به‌منزله نخستین رفتار اجتماعی انسان وضعیت نامتعارف اجتماعی محسوب می‌شود (هوینه کائوتری^۳، ۱۹۸۲: ۳). براین اساس بی‌تفاوتی اجتماعی، حاصل ناهمخوانی و ناهماهنگی میان امر ذهنی و امر عینی در محدوده زمانی و مکانی است؛ به این معنا که از منظر بسیاری از اندیشمندان این بی‌تفاوتی واقعیت اجتماعی ناهماهنگ با بایدهای مورد انتظار و پذیرش اجتماعی محسوب می‌شود (نوابخش، میرزاپوری و لوکلا، ۱۳۹۴: ۵۴). بر اساس یافته‌های

1. Apathy
2. Sidney Verba
3. Huynh Cao Tri

پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۳۷/۹ درصد شهروندان همدانی معتقد بوده‌اند هنجار خیرخواهی و کمک را و بیش از ۵۶ درصد آنها انصاف را در میان مردم همدان کم یا خیلی اندک، ۶۵ درصد دورویی و تظاهر و ۵۹ درصد تملق و چاپلوسی را زیاد ارزیابی کرده‌اند (پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها ۱۳۸۰: ۴۹).

۲. پیشینه تحقیق

قائمی، بلالی و قدسی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود نشان دادند که بی‌تفاوتی اجتماعی در شهر همدان بیشتر در سطح پایین و متوسط به پایین است. نتیجه اینکه دین‌داری هم به‌طور مستقیم و هم به‌کمک فردگرایی بر بی‌تفاوتی اجتماعی تأثیر دارد. عنبری و غلامیان (۱۳۹۵) در مطالعه خود نتیجه گرفتند اعتماد عمومی، رضایت اجتماعی، حس بی‌هنجاری در جامعه، تقدیرگرایی و احساس بی‌عدالتی از عوامل مرتبط با این موضوع هستند. فیض‌اللهی و کمریگی (۱۴۰۰) در مطالعه بی‌تفاوتی در شهر ایلام دریافته‌اند غفلت از نقش شهروندان، نوع ساختار سیاسی، توقع‌های فزاینده، فردگرایی خودخواهانه، زوال وفاداری جمعی، بده و بستان اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و انباشتگی فقر و فلاکت از جمله شرایط علی هستند. همچنین تنبلی اجتماعی، ضعف در ابراز وجود، اقتصادزدگی فرهنگ، شکاف قانونی، نارسایی نظام تربیتی، آشفتگی سنت، خویشاوندگرایی و کارایی کم تشکل‌های مدنی و انزواگرایی شرایط زمینه‌ای هستند و درنهایت اینکه ناکارآمدی دولت، هیستری اجتماعی و کژکارکردی رسانه‌ها شرایط مداخله‌گر محسوب می‌شوند. بر پایه یافته‌های پژوهش، «بی‌سازمانی اجتماعی» هسته اصلی پژوهش به‌دست آمد که حاصل شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر است.

سفیری و حجتی (۱۳۹۹) در تحقیق خود با رویکرد کیفی و روش نظریه‌مبنایی در مناطق مختلف تهران دریافتند نبود احساس مسئولیت، ترس، درگیری‌های فراوان شخصی، تأمین‌نشدن نیازهای اولیه و... از علل بی‌تفاوتی اجتماعی و تنهایی و هرج‌ومرج از عواقب آن هستند. جهانگیری و محمدی (۱۳۹۷) در تحقیق خود دریافتند بی‌تفاوتی اجتماعی ۵/۴۰ درصد از دانشجویان در سطح متوسط رو به بالا، ۲۷ درصد بالا، ۱۹ درصد متوسط رو به پایین و تنها ۱۳ درصد از دانشجویان، بی‌تفاوتی اجتماعی‌شان در سطح کمی بوده است. همچنین در نتیجه آزمون همبستگی پیرسون رابطه امید سیاسی و مؤلفه‌های آن (اعتقاد به دریافت مطلوبی از حقوق شهروندی، اعتقاد به مشروعیت حکومت، باور به امکان مشارکت مؤثر سیاسی-اجتماعی و خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌ها) با بی‌تفاوتی اجتماعی تأیید شد. نتایج تحلیل چندمتغیره رگرسیونی به روش گام‌به‌گام نیز بیان‌کننده آن بود که از میان مؤلفه‌های امید سیاسی، اعتقاد به دریافت مطلوب حقوق شهروندی، اعتقاد به مشروعیت حکومت و خوش‌بینی به سیاست‌گذاری‌های، در مجموع ۱۵/۰ درصد تغییرات بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین می‌کنند. دویون^۱ و تیسیمونیز (۲۰۲۲) در مطالعه خود نشان دادند حرکت حزب-دولت از یک استراتژی «شراکتی» به یک استراتژی «بخشی» در دانشگاه شاهد بودیم. برخلاف ادبیاتی که بی‌تفاوتی و سیاست‌زدایی را هدف مدیریت دانشگاه‌ها توسط دولت-حزب می‌داند، آن‌ها می‌گویند این تغییرات نگرانی رژیم را از بیگانگی دانشجویان از کانال‌های رسمی سیاسی آشکار می‌کند و تلاشی برای معکوس کردن آن است.

در یک جمع‌بندی خلاصه می‌توان گفت هرچند پژوهش‌های بسیاری درباره بی‌تفاوتی اجتماعی انجام شده است، مطالعات در جامعه آماری مختلف مثلاً کارکنان یا دانشجویان و کارشناسان صورت گرفته است و به دلیل ماهیت با تغییر شرایط جامعه یا شهری خاص ممکن است بی‌تفاوتی افزایش یا کاهش یابد و از این‌رو مستلزم پیمایش مستمر است، اما به‌طور خاص در شهر همدان سابقه محدودی وجود دارد و تا آنجا که محققان بررسی کرده‌اند یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد زیر نظر دکتر اسماعیل بلالی انجام شده است که در آن هم به رابطه بی‌تفاوتی و دین‌داری به‌طور خاص پرداخته است؛ در صورتی‌که این مقاله بی‌تفاوتی اجتماعی و تعیین‌کننده‌های اجتماعی را بررسی کرده است.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

۳-۱. تأمل مفهومی: مک لگان و نل با این عنوان که «بی‌تفاوتی نوعی تهدید است» به تمایل افراد برای دخالت‌نکردن در امور و پذیرش مسئولیت اشاره کرده‌اند. آبرل معتقد است در هر جامعه برخی شرایط بنیادین وجود دارد که در صورت نبود آن‌ها، جامعه به شدت دچار اختلال خواهد شد. یکی از مهم‌ترین این عوامل این است که جمعیت یک جامعه بی‌تفاوت می‌شود و این برای آن جامعه تهدیدی جدی به‌شمار می‌رود؛ تا آنجا که بر همه ساختارها تأثیر می‌گذارد (ریتزر، ۱۳۷۴ به نقل از محسنی تبریزی ۱۳۹۰). ساسول (۲۰۰۳) عقیده دارد هرچقدر افراد از نظر میزان احساس اثربخش‌نبودن و بدبینی به چیزی یا کسی در سطح بالایی باشند، زمینه برای بسترسازی بیگانگی افراد و بی‌تفاوتی به مسائل اجتماعی فراهم می‌آید. گسمون و کارنهاوزر در تحلیل بی‌تفاوتی اجتماعی، بر نقش انواع نارضایتی اجتماعی به‌منزله عامل محرک در وقوع این پدیده و همچنین لیست معتقدند: «جامعه‌ای که در آن بخش بزرگی از جمعیت بی‌تفاوت، بی‌علاقه و ناآگاه باشد، جایی است که در آن رضایت را نمی‌توان یافت» (به نقل از محسنی تبریزی ۱۳۹۰: ۶).

ویلنسکی می‌گوید بی‌تفاوتی ممکن است تابعی از فرایند سالخورده‌گی باشد. پیلیاوین، لاتانه و دارلی در نظریه پنج‌مرحله‌ای در تبیین بی‌تفاوتی اجتماعی بر مبنای محاسبه هزینه-پاداش حرکت کرده‌اند. به باور آن‌ها، افراد در مواجهه با وضعیت‌های خاص و اضطراری، بلافاصله به تحلیل و بررسی هزینه‌ها و پاداش‌های نوع‌دوستی و بی‌تفاوتی می‌پردازند و در واقع، بی‌تفاوتی به دیگران یا نوع‌دوستی مستقیم تابع پاسخی است که افراد ناظر در یک موقعیت اضطراری نشان می‌دهند. آلبرت بندورا می‌گوید براساس نظریه یادگیری اجتماعی، مردم نه به‌کمک نیروهای درونی به حرکت درمی‌آیند و نه محرک‌های محیطی آن‌ها را به حرکت درمی‌آورد، بلکه تعاملی دوجانبه بین شخص و عوامل تعیین‌کننده اجتماع برقرار می‌شود. بندورا بر فرایند یادگیری مشاهده‌ای^۱ کار کرده است. بسیاری از یادگیری‌های ما از راه مشاهده رفتار دیگران و پیامدهای رفتار آن‌ها کسب می‌شود. نظریه آلبرت بندورا^۲ یادگیری اجتماعی-شناختی است که یادگیری مشاهده‌ای و نظریه سرمشق‌گیری هم نامیده شده است (آقایوسفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳۹). این علم نوپا از نظریه بندورا استفاده‌های فراوانی کرده است. براساس این نظریه، یادگیری از راه مشاهده، تقلید و الگوبرداری انجام می‌شود و به عامل تقویتی نیازی ندارد (بندورا، ۱۹۷۷). به عقیده او یادگیرنده باید علاوه‌بر توجه و علاقه، توانایی تقلید و

الگوبرداری را داشته باشد. یادگیری اجتماعی بنا بر مشاهده و تقلید، ناخودآگاه در بسیاری از افراد به صورت مثبت و منفی انجام می‌شود و پیامدهای ثمربخش یا زیان‌بار خود را به دنبال خواهد داشت (پارسا، ۱۳۸۳: ۲۱۷)؛ به گونه‌ای که اگر دوستان برای او افراد مهمی باشند، بیشتر احتمال تسلیم‌شدن و تأثیرپذیری آن‌ها وجود دارد و به برخی مسائل بی‌تفاوت می‌شوند یا در برخی مسائل اجتماعی مشارکت می‌کنند (ارونسون، ۱۳۸۲: ۲۷).

بندورا با وجود پذیرفتن نقش شرطی‌شدن و تقویت در تبیین رفتار آدمی، با نقش سنتی محرک پاسخ به منزله تنها شیوه مطالعه رفتار مخالفت می‌کند. از نظر بندورا، بخش وسیعی از یادگیری‌های انسان با مشاهده و تقلید صورت می‌گیرد. در اولین تحقیق بندورا و والترز (۱۹۵۲) درباره علل خانوادگی پرخاشگری، بر اهمیت یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران تأکید شده است. از آن به بعد، بندورا یادگیری مشاهده‌ای را مهم‌ترین عامل رشد و یادگیری می‌داند.

بندورا از همان ابتدا با ترکیب جنبه‌های شناختی و اجتماعی رفتار، به تقسیم‌بندی سنتی دیدگاه رفتارگرایی در مقابل دیدگاه‌های دیگر خاتمه می‌دهد و به اهمیت نسبی عوامل بیرونی و درونی در رفتار تأکید می‌کند. او در جریان پرورش نظریه شناختی-اجتماعی خود دیدگاه یک‌بعدی تأثیرگذاری محیط بر انسان، یعنی عمده‌ترین فرضیه رفتارگرایی را رد می‌کند و به طرح موجبیّت دوجانبه^۱ یا «فرایندی به هم پیوسته» می‌پردازد که دربرگیرنده همه عوامل فردی و اجتماعی در فرایند یادگیری است (کدیور، ۱۳۸۵: ۱۲۸-۱۲۹).



به نظر بندورا، عواطف، تفکر و رفتار فرد در هر موقعیت به احساس توانایی او وابسته است. در موقعیت‌هایی که فرد از توانایی‌های خود اطمینان حاصل می‌کند، رفتار، شناخت و احساسات او کاملاً متفاوت از موقعیت‌هایی است که در آن احساس ناتوانی، امنیت یا نداشتن صلاحیت می‌کند (همان).

۳-۲. تأملات نظری

جرج زیمل: این نظریه پرداز نمود و ظهور بیگانگی را با زندگی مردم در کلان‌شهرها، فردگرایی، غلبه روح عینی بر روح ذهنی، انزوای اجتماعی و درنهایت دل‌زدگی اجتماعی ارزیابی و خاطر نشان می‌کند در جامعه مدرن هر فرد برای خود شخصیت خاصی را پرورش می‌دهد که دربرگیرنده ویژگی‌ها و تجربیاتی است که هر انسانی، فرد متمایزی از سایر افراد جامعه خود می‌شود که به دنبال آن پیوندهای جدانشدنی با گروه اولیه با تردید مواجه می‌شود. فراگرد ارائه شده از سوی زیمل به این صورت است که مردم در جوامع مدرن یک الگوی کلی در وابستگی‌های گروهی ندارند و می‌توانند در موقعیت‌هایی با رتبه‌های متفاوت و در گروه‌های متمایز مشغول باشند. واقعیت هدف وابستگی‌های گروهی چندگانه فرد را چنان توانا می‌کند که امکان تشخیص وضعیت فردگرایانه

خود را از سایر موقعیت‌ها داشته باشد؛ به عبارت دیگر این امکان برای هر فرد به‌وجود می‌آید که بتواند موقعیت شخصی‌اش را از دیگران متمایز کند (محمدی، ۱۳۸۴: ۴۱). زندگی در مادرشهر یا متروپلیس‌ها رقابت، تقسیم کار، یکنواخت‌شدن روابط، تخصص، فردگرایی، قبول روح عینی و طرد روح ذهنی را به فرد تحمیل می‌کند. همچنین او را به بیگانگی سوق می‌دهد و عامل اصلی سرگردانی انسان مدرن به‌شمار می‌آید (محسنی تیریزی، ۱۳۸۱: ۱۲۹؛ ستوده، ۱۳۷۸: ۲۴۳).

زیمل با تقسیم فرهنگ عینی و ذهنی در دو بعد جداگانه، در آخرین فصل از کتاب «فلسفه پول» متذکر می‌شود زمانی که در جامعه‌ای فرهنگ عینی و ذهنی با یکدیگر سازگاری داشته باشند، عصر طلایی در آن جامعه حاکم خواهد بود؛ در غیر این صورت یعنی در صورت چیرگی فرهنگ عینی بر ذهنی نوعی حالت تراژیک در فرهنگ ایجاد و نمودی از بیگانگی در آن جامعه حادث می‌شود (کرایب، ۱۳۸۲: ۲۶۶-۲۶۵).

دورکیم: مفهوم آنومی یا نابسامانی اجتماعی از سوی جامعه‌شناسان غربی برای تبیین وضعیت جامعه اروپایی در میانه قرن نوزدهم و نیز دوران بحران‌های بزرگ اقتصادی و اجتماعی اوایل قرن بیستم به‌کار رفته است. بسیاری بر این عقیده‌اند شرایط اجتماعی امروز کشورهای درحال توسعه نیز که در گذر از یک جامعه سنتی به مدرن و با بحران‌های شدید اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو هستند با این مفهوم تبیین می‌شود. امیل دورکیم مانند مرتن، آنومی یا نابسامانی اجتماعی را به شرایطی اجتماعی اطلاق می‌کند که در آن هنجارهای تعمیم‌یافته و پذیرفته جامعه تضعیف یا ناکارآمد شده باشند، اما اینکه چه عواملی موجب تضعیف یا ناکارآمدشدن هنجارهای تعمیم‌یافته می‌شوند از نظر آنان متفاوت است.

آنومی در آثار دورکیم^۱ مفهومی است که موقعیت‌ها و وضعیت‌های بی‌سامان و نامنظم اجتماعی را بیان می‌کند. شرایط آنومیک زمانی است که نیازها و خواسته‌ها با وسایل و امکانات تطبیق ندارند و امکانات موجود پاسخ‌گوی آن‌ها نیست. وقتی قوانین یا نیروهای جمعی شکسته می‌شود، فرد در بی‌اتکایی، بی‌هنجاری و تطبیق‌نداشتن با اوضاع موجود با سرخوردگی مواجه می‌شود. دورکیم در گرایش به افزایش تقسیم کاری که در اجرای خود بی‌تناسب است، کاهش همبستگی اجتماعی و افزایش ستیز میان طبقات اجتماعی را مشاهده می‌کند. در چنین اوضاعی کارکردهای ویژه در تقسیم کار، به‌طورکلی تداوم و تقابل مؤثر بر یکدیگر ندارند؛ در نتیجه درک نظام اجتماعی، قوانین مشترک و فهم این قوانین از سوی فرد با مشکل مواجه می‌شود. در چنین وضعیتی کارکردهای موجود اجتماعی برای پاسخ‌گویی آن کفایت نمی‌کند و تمایل به‌سوی ناهماهنگی و فاصله اجتماعی بارها بارزتر می‌شود. از سوی دیگر فردگرایی به‌صورت ناهماهنگی و تطبیق‌نداشتن با هنجارهای اجتماعی و کاهش همبستگی اجتماعی تجلی پیدا می‌کند که منجر به ازخودبیگانگی می‌شود و شرایط آنومیک جامعه به این بیگانگی و جدایی فرد از هنجارهای جامعه دامن می‌زند (توسلی، ۱۳۸۲: ۳۶).

فوکویاما: در تحلیل نظام اعتقادی ادیان، فوکویاما ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت، ایثار، اعتماد و موارد مشابه در ادیان را موجب مشارکت اجتماعی بین اعضای یک گروه یا فرقه مذهبی می‌داند (فوکویاما، ۱۳۷۹) و حتی گفته شده است افراد برحسب دین و مذهبی که دارند ممکن است منشأ مشارکت باشند (الوانی و نقوی، ۱۳۸۰: ۱۳).

ایوانز: وی بر نقش فعالیت‌ها و مناسک دینی در بهبود کنش‌های متقابل افراد در پیوند و اعتماد آن‌ها با یکدیگر تأکید می‌کند و معتقد است رفتار دینی با سایر مؤمنان، دوستان و اعضای خانواده می‌تواند گامی برای ایجاد سرمایه اجتماعی تلقی شود (گنجی و ستوده، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

ولکاک و نارایان: از دیدگاه این دو میان ابعاد سرمایه اجتماعی و بی‌تفاوتی رابطه وجود دارد و ضعیف‌شدن سرمایه اجتماعی به‌ویژه از نوع پیوندی و ساختاری آن می‌تواند به بی‌تفاوتی اجتماعی منجر شود.

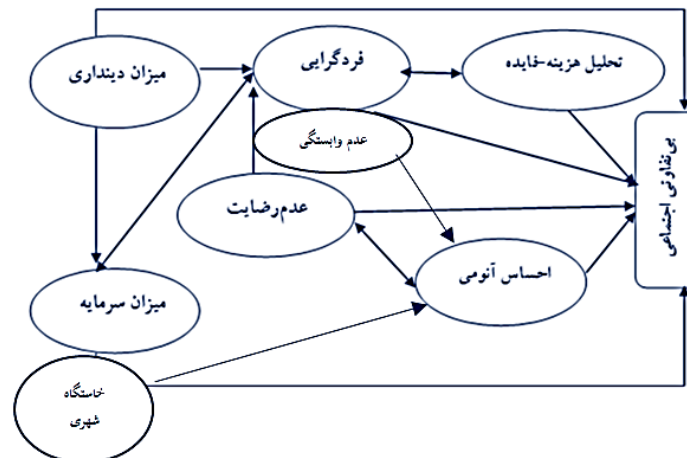
بورديو: او می‌گوید سرمایه عبارت است از کار انباشته که وقتی بر مبنایی خصوصی، یعنی انحصاری به تصرف عاملان یا گروه‌هایی از عاملان درمی‌آید به آنان کمک می‌کند نیروی اجتماعی را در شکل کار عینیت‌یافته یا جان‌دار به تصرف درآورند. سرمایه نیرویی است که کتبی‌وار در ساختار عینی و ذهنی نوشته شده است (خاکباز و پویان، ۱۳۸۵: ۱۳۳). از نظر بورديو افراد در جامعه سرمایه‌ای کلی دارند که ترکیبی از سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمادین است و انواع این سرمایه‌ها محرک توسعه و تسهیل‌گر روابط اجتماعی هستند.

جدول ۱. متن خوانی نظریات مرتبط

نظریه پردازان	علل بی‌تفاوتی
رابرت دال	توضیح عمومیت گرایش نداشتن به مشارکت سیاسی اجتماعی
فردینبرگ	نارضایتی از روابط اجتماعی
باندورا	تأثیر مشاهده و تقلید
جورج زیمل	زندگی در مادرشهر یا متروپولیس‌ها
دورکیم	آنومی، فردگرایی، انتقال جامعه از مکانیکی به ارگانیکی
ولکاک و نارایان	سرمایه اجتماعی و بی‌تفاوتی
بورديو	سرمایه اجتماعی و ابعاد اعتماد و پیوند
سیمن	احساس بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی
لویین	اثربخشی نداشتن و نبود رضایت
لیپست	تأکید بر متغیرهای اجتماعی (جنس، سواد و تاهل)
لرنر	همدلی، شهرنشینی، دسترسی به رسانه جمعی و سواد
اسکینر	تحلیل هزینه-فایده
فوکویاما و اوآنز	باورهای دینی و بی‌تفاوتی
استرلین	محدودیت منابع اقتصادی و شکاف نسلی
هیرشی	وابستگی نداشتن

۴- مدل تحلیلی تحقیق

بی‌تفاوتی اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که مشارکت افراد منشأ اثر نباشد و افراد با حضور در عرصه‌های اجتماعی نتوانند تغییری ایجاد کنند. همچنین با احساس نبود کارایی مواجه و بی‌تفاوت می‌شوند. در این پژوهش از نظریه‌های مختلف متغیرهای استخراج و بر مبنای آن‌ها موضوع و متغیر وابسته تحقیق یعنی بی‌تفاوتی اجتماعی تحلیل شده است. متغیر از خودبیگانگی نظریه زیمل و خاستگاه شهری و همدلی براساس نظریه لرنر دریافت شد که معتقد بود شهرنشینی سبب افزایش سواد و دسترسی بیشتر به رسانه جمعی و این امر موجب احساس اثربخشی بالاتر و در نتیجه افزایش توان همدلی و کاهش بی‌تفاوتی می‌شود. متغیر تحلیل هزینه-فایده براساس نظریه مبادله که عقیده دارد گزینش عقلانی افراد مهم است و افراد به‌گونه‌ای وارد مبادله می‌شوند که هزینه مشارکت آنها پایین و منافع آن بالا باشد در غیر این صورت از مشارکت امتناع می‌کنند، متغیر انومی و فردگرایی از نظریه دورکیم و مرتن بی‌هنجاری را سبب شرایط آنومیک در جامعه می‌داند و در نتیجه آن افراد به قوانین و هنجارهای مشترک بی‌تفاوت می‌شوند. براساس نظر بوردیو افراد سرمایه‌های مختلفی دارند؛ از جمله سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که این سرمایه‌ها با هم ارتباط دارند و بر هم تأثیر می‌گذارند. اعتماد و پیوندهای اجتماعی از عناصر سرمایه اجتماعی افراد هستند که بر مشارکت یا بی‌تفاوتی تأثیر می‌گذارند؛ به‌گونه‌ای که افراد دارای اعتماد بیشتر به دولت یا سایر نهادها بیشتر در امور اجتماعی مشارکت می‌کنند. پیوندهای رسمی و غیررسمی نیز بر بی‌تفاوتی مؤثر است. همچنین از متغیر وابستگی براساس نظریه هیرشی استفاده شده است که معتقد است در صورت وابسته‌نبودن، پیوند فرد و جامعه تضعیف می‌شود. همچنین افراد احساس وابستگی به جمع نمی‌کنند و کم‌کم به مسائل اجتماعی بی‌تفاوت می‌شوند.



نمودار ۱. مدل پیشنهادی عوامل اجتماعی مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی

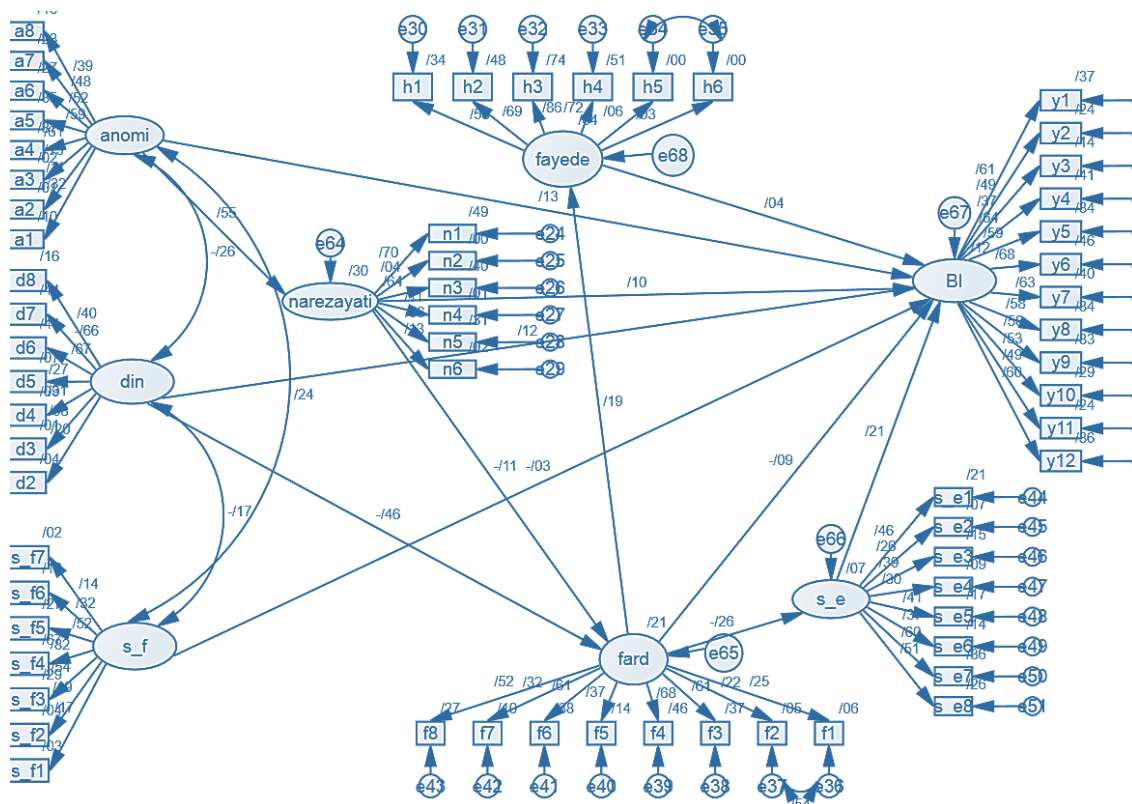
۵. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش و به لحاظ محتوای کاری از نوع پیمایشی است؛ به این معنا که محقق بر شرایط تحقیق به لحاظ ورود متغیر مستقل تسلط ندارد و در میان انواع پژوهش‌های پیمایشی این کار از نوع زمینه‌ای است. پژوهش اخیر از نظر

هدف کاربردی و از نظر نوع دامنه از نوع خرد است؛ زیرا واحد تحلیل در اینجا فرد است. این کار از نظر وسعت از نوع مطالعات پنهان‌گر است؛ یعنی محقق صفت مشخص را روی گروه وسیعی از افراد جامعه بررسی می‌کند. تحقیق حاضر از نظر زمان از نوع مقطعی است؛ زیرا بررسی و توصیف یک صفت یا ارتباط بین صفات را در محدوده زمانی مشخص انجام می‌دهد نه در زمان‌های مختلف. جامعه آماری این پژوهش افراد بالای ۱۸ سال به بالا و حجم نمونه حدود ۳۵۰ نفر است. روش نمونه‌گیری نیز خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. واحد تحلیل فرد و نتایج روایی بی‌تفاوتی اجتماعی ۰/۷۸ احساس آنومی ۰/۸۳ و سرمایه فرهنگی ۰/۷۸ بوده است.

۶. یافته‌های تحقیق

در این قسمت به بررسی آزمون فرضیه‌ها با استفاده از معادلات ساختاری پرداخته‌ایم. در این راستا مدل کلی به سه مدل تبدیل و بررسی شد.



نمودار ۲. خروجی مدل ساختاری عوامل تأثیرگذار بر بی‌تفاوتی در حالت ضرایب مسیر استاندارد

منبع: یافته‌ها

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل ساختاری فوق

شاخص‌های برازش مدل	نماد	مقدار قابل قبول	مقدار مشاهده شده	نتیجه
کای دو به درجه آزادی	CMIN/DF	کوچک تر از ۳	۲/۳۶	برازش مطلوب
شاخص برازندگی	GFI	بالای ۰/۸	۰/۸۱	برازش مطلوب
شاخص برازندگی تعدیل یافته	AGFI	بالای ۰/۸	۰/۸۶	برازش مطلوب
خطای ریشه میانگین مجذورات تقریب	RMSEA	کمتر از ۰/۸	۰/۰۶۳	برازش مطلوب

منبع: یافته‌ها

برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های فوق استفاده شد که مقدار تمامی این شاخص‌ها در حد مطلوب و بیانگر این است که مدل ساختاری عوامل تأثیرگذار بر بی تفاوتی اجتماعی برازش خوبی دارد.

فرضیه ۱: با افزایش سرمایه فرهنگی بی تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد.

این فرضیه مبنی بر تأثیر سرمایه فرهنگی بر بی تفاوتی اجتماعی با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ است، رد می‌شود.

جدول ۳. مسیر ساختاری فرضیه اول

مسیر ساختاری	ضریب مسیر (β)	C.R	سطح معناداری
فردگرایی → سرمایه فرهنگی	-۰/۰۵	-۰/۶۵	۰/۵۱

فرضیه ۲: ناراضایتی سبب افزایش فردگرایی و در نتیجه افزایش بی تفاوتی می‌شود.

در فرضیه فوق هیچ‌یک از ضرایب مسیر معنادار نیست و در نتیجه فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد ۴۱/۶ درصد پاسخ‌گویان شاغل و ۵۸/۴ درصد نیز غیر شاغل هستند.

- در بررسی بی تفاوتی اجتماعی، ۴۸/۲ درصد افراد بی تفاوتی پایین و متوسط به پایین و ۴۵/۳ درصد بی تفاوتی بالا و متوسط به بالا دارند.
- در بررسی احساس انومی ۲۴/۵ درصد افراد احساس انومی پایین و متوسط به پایین و ۷۱/۸ درصد احساس انومی بالا و متوسط به بالا دارند.
- در بررسی میزان فردگرایی ۵۰/۶ درصد افراد میزان فردگرایی پایین و متوسط به پایین دارند و ۴۵/۳ درصد دارای میزان فردگرایی بالا و متوسط به بالا هستند.
- در بررسی میزان عدم وابستگی ۵۷/۵ درصد افراد عدم وابستگی پایین و متوسط به پایین و ۳۷/۱ درصد عدم وابستگی بالا و متوسط به بالا دارند.

جدول ۴. مسیر ساختاری فرضیه دوم

سطح معناداری	C.R	ضریب مسیر (β)	مسیر ساختاری
۰/۱۵	-۱/۴۴	-۰/۱۱	فردگرایی → نارضایتی
۰/۲۲	۱/۸۳	-۰/۱۵	بی تفاوتی → فردگرایی
۰/۲۹	۱/۰۷	۰/۱۰	بی تفاوتی → نارضایتی

در پاسخ به سؤالات تحقیق که آیا بی تفاوتی در میان شهروندان شهر همدان وجود دارد و در صورت وجود میزان این بی تفاوتی تا چه حد است و عواملی که این بی تفاوتی را تقویت می کنند یا مانع آن می شوند، کدامند یافته ها حاکی از آن است که در شهر همدان، ۴۵/۳ درصد پاسخ گویان بی تفاوتی بالا و متوسط به بالا دارند. در این تحقیق چهار عامل مهم و تعیین کننده مؤثر بر بی تفاوتی وجود دارد که عبارتند از میزان دین داری، فردگرایی، نداشتن رضایت از روابط اجتماعی و تحلیل هزینه-فایده.

فرضیه ۳: به نظر می رسد هرچه آنومی در جامعه ای افزایش یابد، بی تفاوتی نیز افزایش می یابد. در بررسی رابطه احساس آنومی و بی تفاوتی اجتماعی چون سطح معناداری، ۰/۵۹۴ و بیشتر از $\alpha=۰/۰۵$ است، پس رابطه معنادار نیست و فرضیه رد می شود.

فرضیه ۴: با افزایش آنومی رضایت نداشتن از روابط اجتماعی هم افزایش می یابد. بین آنومی و نداشتن رضایت همبستگی مثبت وجود دارد؛ یعنی با افزایش آنومی رضایت نداشتن افزایش می یابد و بالعکس؛ بنابراین فرضیه تأیید می شود. براساس نظریه مرتن ساخت اجتماعی فشارهایی را بر افراد با هدف همناکردن با ساخت جامعه وارد می کند، اما این فشار بیش از آنکه در جهت همناوی رفتارها عمل کند، در مسیر ناهمناوی است؛ بنابراین افراد با پشت کردن به اهداف و ابزارهای نهادی شده از گروه جدا می شوند. یافته های این مطالعه نشان می دهد احساس آنومی تأثیر مستقیمی بر بی تفاوتی ندارد، بلکه با ایجاد رضایت نداشتن، به طور غیرمستقیم بر بی تفاوتی تأثیر می گذارد.

فرضیه ۵: به نظر می رسد با افزایش سرمایه فرهنگی، بی تفاوتی اجتماعی کاهش می یابد. رابطه ای بین سرمایه فرهنگی و بی تفاوتی اجتماعی ($\text{Sig}=۰,۱۰۳$) وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه رد می شود. با توجه به یافته های مرتبط با متغیر تحصیلات، سواد و بی تفاوتی اجتماعی در جامعه مورد پژوهش، این امر به گونه ای عمومیت یافته است که افراد تحصیل کرده هم به این ضرب المثل معروف «آسه برو آسه بیا که گربه شاخ نزنه» اعتقاد یافته اند. این اعتقاد طی فرایند جامعه پذیری و یادگیری در سنین پایین تر صورت گرفته و همین امر سبب شده است تحصیلات و سواد بیشتر تأثیری بر بی تفاوتی نداشته باشند.

فرضیه ۶: به نظر می رسد نارضایتی سبب افزایش فردگرایی و در نتیجه افزایش بی تفاوتی می شود. یافته ها حاکی از آن است که نارضایتی از روابط اجتماعی و فردگرایی با سطح معناداری ($\text{Sig}=۰/۰۰۰$) کوچک تر از آلفای مدنظر تحقیق است؛ پس بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. در رابطه بین رضایت نداشتن اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی، چون سطح معناداری ($\text{Sig}=۰,۰۰۸$) کمتر از آلفای مدنظر تحقیق ($\alpha=۰/۰۵$) بوده است، پس بین میزان بی تفاوتی اجتماعی و رضایت نداشتن از روابط اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. براساس نظریه فردینرگ، فردی که احساس نارضایتی دارد خود را ناتوان تر از آن می بیند که بتواند تغییری در وضعیت خود و شرایط محیطی به وجود آورد؛ از این رو احساس نارضایتی وی به احساس بی یابوری و ناامیدی، فردگرایی و

در نهایت بی‌تفاوتی منجر می‌شود. یافته‌های این تحقیق نیز همسو با این نظریه است. همچنین نتیجه این تحقیق با نتایج پژوهش نادری (۱۳۸۴)، محسنی تبریزی و صداقتی‌فرد (۱۳۹۰)، گنز (۱۹۵۲) و چین و زانگ (۱۹۹۵) همخوانی دارد که بین نارضایتی و بی‌تفاوتی ارتباط قائل شده‌اند.

فرضیه ۷: به‌نظر می‌رسد فردگرایی سبب افزایش تحلیل هزینه-فایده و در نتیجه افزایش بی‌تفاوتی می‌شود. براساس نتایج آزمون چون سطح معناداری (Sig=۰/۰۰۰) کمتر از آلفای مدنظر تحقیق (a=۰/۰۵) بوده است و از طرفی عدد همبستگی (r=۰,۲۹) مثبت است؛ یعنی بین فردگرایی و تحلیل هزینه-فایده رابطه مثبت وجود دارد و از نظر شدت در حد ضعیف است؛ به عبارت دیگر هرچه افراد بیشتر تحلیل سود و زیان کنند، بیشتر فردگراتر و کمتر به سود جمع فکر می‌کنند. در رابطه بین تحلیل هزینه-فایده و میزان بی‌تفاوتی براساس نتایج آزمون چون سطح معناداری (Sig=۰/۰۰۴) کمتر از آلفای مدنظر تحقیق (a=۰/۰۵) بوده است؛ پس بین میزان بی‌تفاوتی اجتماعی و تحلیل هزینه-فایده رابطه معناداری وجود دارد. در نهایت فرضیه تحقیق تأیید می‌شود. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش کلانتری و همکاران (۱۳۸۶) و محسنی تبریزی و صداقتی‌فرد (۱۳۹۰) همخوانی دارد. براساس نظریه‌ها و یافته‌ها انسان‌ها بر مبنای یک کنش عقلانی به دنبال افزایش سود و کاهش هزینه‌ها در روابط خود هستند و در هر رابطه‌ای که احساس کنند هزینه بیشتری در مقایسه با سود متحمل می‌شوند، از انجام آن صرف‌نظر می‌کنند که این موضوع در جامعه مورد پژوهش تأیید شده است.

نتایج نشان می‌دهد فرضیه فردگرایی سبب کاهش سرمایه اجتماعی و در نتیجه افزایش بی‌تفاوتی می‌شود. بین فردگرایی و سرمایه اجتماعی رابطه عکس وجود دارد؛ یعنی با افزایش سرمایه اجتماعی فردگرایی کاهش می‌یابد و بالعکس. همان‌گونه که سطح معناداری نشان می‌دهد مقدار Sig=۰/۴۰۲ است و چون بیشتر از $\alpha=۰/۰۵$ قرار دارد، رابطه بین متغیرها معنادار نیست؛ به عبارت دیگر بین سرمایه اجتماعی و بی‌تفاوتی رابطه آماری وجود ندارد.

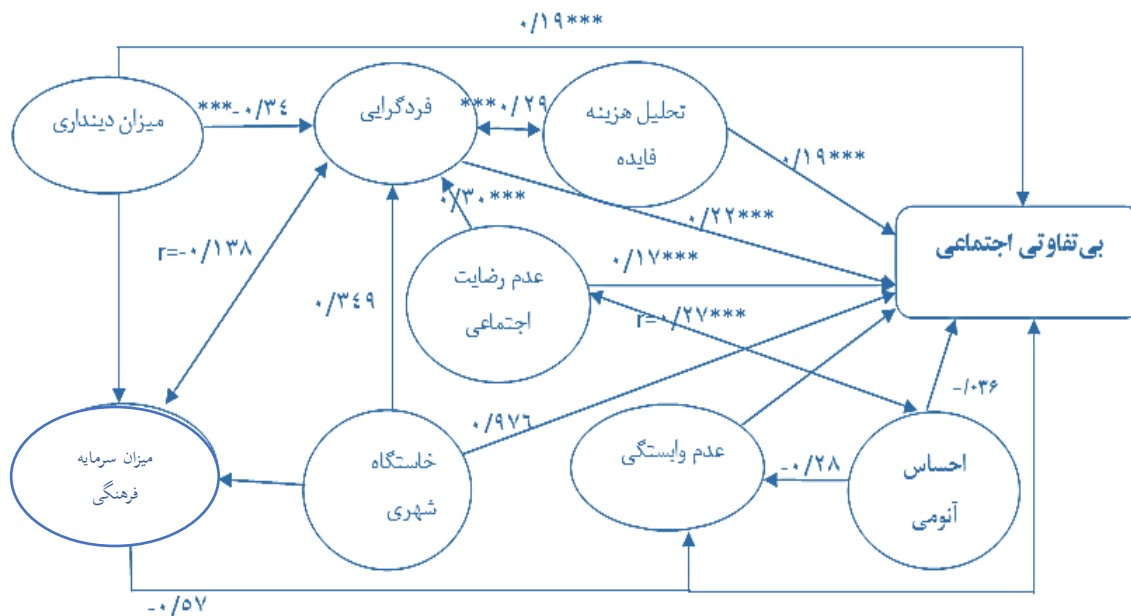
تحلیل چندمتغیره: آزمون رگرسیون برای پیش‌بینی تأثیر متغیر یا متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به کار می‌رود. با استفاده از این آزمون می‌توان تحلیل مسیر انجام داد که براساس آن تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته محاسبه می‌شوند.

جدول ۵. محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم میزان نارضایتی و بی‌تفاوتی اجتماعی

نوع اثر	میزان اثر براساس ضرایب بتا
مستقیم	۰/۱۷۸
غیرمستقیم	$۰/۰۶۷ = (۰/۲۲۰) \times (۰/۳۰۵)$
مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم	۰/۲۴۵

جدول ۶. محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم میزان فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی

نوع اثر	میزان اثر براساس ضرایب بتا
مستقیم	۰/۲۲۰
غیرمستقیم	$۰/۰۵۷ = (۰/۱۹۵) \times (۰/۲۹۷)$
مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم	۰/۲۷۷



نمودار ۳. تحلیل روابط متغیرها

منبع: یافته‌های پژوهش

۷. بحث و نتیجه‌گیری

با وجود مطالعاتی چند درباره بی‌تفاوتی اجتماعی هنوز مطالعه بی‌تفاوتی و انفعال برای جامعه‌ای با مختصات ایران امری ضروری است. در جریان تحولات اجتماعی اخیر مانند شهری شدن سریع، ترکیب و ساختار جمعیت کشور و نیز تلاطم‌های اقتصادی و سیاسی، دیوان‌سالاری و بروز پدیده‌هایی چون فساد، تورم، مهاجرت و شکاف‌های گوناگون سبب گسترش بی‌تفاوتی در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی شده است. در هر جامعه، به‌ویژه جوامع شهری شده مملو از غریبگی و منافع و بستگی‌های غیر خانوادگی و مدنی دو دسته منافع وجود دارد؛ منافع خاص شخصی و منافع عام اجتماعی. سه حوزه فعالیت‌های فردی و اجتماعی را نیز می‌توان چنین برشمرد: حوزه شخصی (خصوصی)، حوزه عمومی و حوزه سیاسی یا حکومتی (قاضی‌مرادی، ۱۳۸۵). ارتباط متقابل میان آن دو دسته منافع و این سه حوزه فعالیت بسیار مهم است. زمانی که منافع خصوصی بر منافع عمومی تقدم پیدا می‌کند، حوزه عمومی زندگی اجتماعی ضعیف یا محدود و بی‌اعتبار می‌شود؛ بنابراین برای مثال برای فردی در چنین فضایی شرکت در سیاست بی‌نتیجه و بی‌معنا خواهد بود و سبب می‌شود فرد از حد حوزه فعالیت شخصی یا خصوصی تجاوز نکند و به‌سوی فعالیت در حوزه عمومی یا سیاسی حرکت نکند. در تحلیل نهایی می‌توان گفت احتمالاً غلبه منافع خاص شخصی در زندگی و شرایط عادی سبب فعالیت‌نداشتن در حوزه‌های عمومی و سیاسی جامعه و بی‌تفاوتی اجتماعی شده است.

با وجود نکته فوق مردم ایران در شرایط خاص (جنگ، سوانح طبیعی، جنبش‌های اجتماعی، بیماری‌های واگیر و...) مردم بسیار

حمایت‌گر، حساس و با احساس مشارکت و مسئولیت هستند، اما به دلایل پیش‌گفته در جریان زندگی روزمره مثلاً صف نان، فروشگاه‌ها، بلیت و... نوعی الگوی مبتنی بر زرنگی و خاص‌گرایی شدید مشاهده می‌شود و در عرصه‌های مدنی و اجتماعی، مراعات حقوق دیگران، رعایت محیط‌زیست و... با «بی‌تفاوتی عملی» مواجه هستیم؛ حتی اگر به لحاظ نظری نگرش مثبتی داشته باشند. بی‌تفاوتی در این مطالعه برای حدود نیمی از پاسخ‌گویان متوسط و بالا است (نیم دیگر هم به درجاتی با بی‌تفاوتی مواجه بودند) و این نشان می‌دهد توسعه شهر و استان همدان و در مقیاس بزرگ‌تر کشور با این میزان شدت اجتماعی با چالش مواجه است و نیازمند ترمیم و تحول است. در این میان حس مسئولیت، سرنوشت مشترک و مشارکت در حوزه‌های مختلف می‌تواند این بی‌تفاوتی را به احساس هم‌سرشتی و هم‌سرنوشتی تبدیل شود و محرک مشارکت‌های گوناگون در جامعه باشد. مأخذ: مستخرج از طرح تحقیقاتی با عنوان «مطالعه بی‌تفاوتی اجتماعی»، به سفارش اداره کل امور اجتماعی استانداری استان همدان، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی دانشگاه بوعلی‌سینا همدان. در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع وجود ندارد.

۸. منابع

- احمدی، سیروس (۱۳۸۴)، بررسی بی‌تفاوتی در روابط اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن، پایان‌نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، گروه علوم اجتماعی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- باندورا، آبرت (۱۳۷۲)، نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه فرهاد ماهر، شیراز: راهگشا.
- بورديو، پیر (۱۳۸۴)، شکل‌های سرمایه، در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری: کیان تاجبخش، ترجمه افشین پاکباز و حسین پویان، تهران: شیرازه.
- پوتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۰)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- حبیب‌زاده، افشین (۱۳۸۴)، بی‌تفاوتی سیاسی کارگران و تأثیر آن در کاهش مشارکت سیاسی آن در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آناتومی جامعه، تهران: سهامی انتشار.
- رونقی، مرضیه (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر عوامل فرهنگی (گرایش مذهبی) بر بی‌تفاوتی اجتماعی و تفکر انتقادی در نهادهای آموزشی، راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۴۲: ۲۰۹-۲۳۵. <https://doi.org/10.22034/SCS.2022.148729>
- سراج‌زاده، حسین (۱۳۷۷)، نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت آن بر نظریه سکولارشدن، نمایه پژوهش، ۲ (۷) و ۸: ۱۰۵-۱۲۰.
- سفیری خدیجه و حجتی کرمانی، سوده (۱۳۹۹)، مطالعه جامعه‌شناختی علل بی‌تفاوتی در شهر تهران، نشریه مطالعات فرهنگی و

ارتباطات، ۱۶ (۶۰): ۱۱۱-۱۳۰. <https://doi.org/10.22034/jscs.2020.107588.1916>

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
فیض‌اللهی، علی و کمریگی، خلیل (۱۴۰۰)، ریشه‌ها و پیامدهای پدیده بی‌تفاوتی اجتماعی؛ مطالعه موردی: شهروندان استان ایلام، *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۴ (۳)، صفحه ۱۵۱-۱۷۹
قائمی، فاطمه، بلالی، اسماعیل و محمدقدسی، علی (۱۳۹۴)، ارتباط دینداری و بی‌تفاوتی اجتماعی در شهر همدان، *مطالعات فرهنگی پلیس*، شماره ۶: ۹۹-۱۱۵.

کلانتری، صمد، ادیبی، مهدی، ربانی، رسول و احمدی، سیروس (۱۳۸۶)، بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن، *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۴ (۲۲): ۲۷-۳۷.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23452188.1386.5.1.3.7>

محسنی تبریزی، علیرضا و صداقتی‌فرد، مجتبی (۱۳۹۰)، پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران؛ مورد پژوهش: شهروندان تهران، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲ (۳): ۱-۲۲. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1390.22.3.1.1>
مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۰)، تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی، *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۶۷-۱۶۸: ۱۵۲-۱۶۵.

نادری عباس‌آباد، حمدالله (۱۳۸۳)، سنجش میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز و بررسی عوامل مرتبط بر آن، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تبریز.

نادری، حمدالله، بنی‌فاطمه، حسین و حریری اکبری، محمد (۱۳۸۸)، الگوسازی ساختاری رابطه بین بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی، *مجله علوم اجتماعی*، ۶ (۲): ۲۵-۲۹. <https://doi.org/10.22067/jss.v0i0.8768>

نبوی، عبدالحسین، نواح، عبدالرضا و امیرشیرزاد، نرگس (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر دزفول)، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ۱۵ (۳): ۱۳۲-۱۶۱.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.17351901.1393.15.3.5.6>

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۰)، *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها*.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۲)، *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها*.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۴)، *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها*.

Ahmadi, S. (2004). A survey on apathy in social relations and social and cultural factors affecting it. *Phd Thesis in Sociology*. Isfahan University. Department of Social Sciences. (In Persian)

Bandura, A. (1993). *Social Learning Theory*. Translated by: F. Maher. Shiraz: Rahgosh Publications. (In Persian)

Bourdieu, P. (2002). *The forms of capital, in social capital, trust, democracy and development, compiled by Kian Tajbakhsh*. Translated by: A. Pakbaz and H. Powan. Tehran: Shirazeh Publishing House. (In Persian)

Dickson, S. S., & Husain, M. (2022). Are there distinct dimensions of apathy? The argument for reappraisal. *Cortex*, 149, 246-256.

Doyon, J., & Tsimonis, K. (2022). Apathy is not enough: changing modes of student management in post-Mao China. *Europe-Asia Studies*, 74(7), 1123-1146.

- Faizullahi, A., & Kamarbeigi, Kh. (2021). The origins and consequences of the phenomenon of social indifference: a case study of the citizens of Ilam province. *Cultural Research of Iran*, No14 vol 3 151-179 <https://doi.org/10.22035/jicr.2022.2729.3121> (In Persian)
- Fukuyama, F. (2020). *The end of order: social capital and its preservation*. Translated by: Gholam Abbas Tusli. Tehran publication. (In Persian)
- Ghaemi, F., Bilali, I., & Mohammad Qudsi, A. (2014). The relationship between religiosity and social indifference in the city of Hamadan. *Police Cultural Studies*, 6, 99-115. (In Persian)
- Ghazizadeh, H., & Kianpour, M. (2014). Examining the level of social indifference (apathy) among students (case study: University of Isfahan). *Strategic Studies of Social Issues in Iran*, 4(1), 59-78. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221453.1394.4.1.5.3> (In Persian)
- Habibzadeh, A. (2005). Political indifference of workers and its effect on reducing political participation in the Islamic Republic of Iran. *Master's thesis of Islamic Azad University*. Central Tehran Branch. (In Persian)
- Inglehart, R. (1994). *Cultural shift in advanced industrial societies*. Translated by: M. Vatar. Tehran: Kavir Publishing. (In Persian)
- Kalantari, S., Adibi, M., Rabani, R., & Ahmadi, S. (2016). Study of indifference and altruism in the urban society of Iran and the factors affecting it. *Bi-Monthly Scientific-Research Journals*, 4(22), 27-29. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23452188.1386.5.1.3.7> (In Persian)
- Masoudnia, I. (2008). Sociological explanation of citizens' apathy in social and political life. *Economic Political Information Quarterly*, 167-168, 152-165. (In Persian)
- Ministry of Culture and Islamic Guidance, Office of National Plans (2001) National Survey of Values and Attitudes. (In Persian).
- Ministry of Culture and Islamic Guidance, Office of National Plans (2003) National Survey of Values and Attitudes. (In Persian).
- Ministry of Culture and Islamic Guidance, Office of National Plans (2005) National Survey of Values and Attitudes. (In Persian).
- Mohseni Tabrizi, A. R., & Sedaghatifard, M. (2013). Research on social indifference in Iran: the case of Tehran citizens. *Applied Sociology*, 22(43), 1-22. https://jas.ui.ac.ir/article_18231.html (In Persian)
- Nabavi, A., Navah, A., & Amirshirzad, N. (2013). Investigating factors affecting social inequality (case study: citizens aged 18 and over in Dezful). *Journal of Iranian Sociological Association*, 15(3), 161-132. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17351901.1393.15.3.5.6> (In Persian)
- Naderi Abbas Abad, H., Banifateme, H., & Hariri Akbai, M. (2008). Measuring the level of social apathy among undergraduate students of Tabriz University and investigating the factors related to it. *Master's Thesis*. Nabriz University. (In Persian)
- Naderi, H., Banifateme, H., & Hariri Akbai, M. (2008). Structural patterning of the relationship between alienation and social indifference. *Journal of Social Sciences*. Faculty of Literature and Human Sciences. Ferdowsi University. pp. 25-29. <https://doi.org/10.22067/jss.v0i0.8768> (In Persian)
- Putnam, R. (2001). *Making democracy work: Civic Traditions in modern Italy*. Translated by: M. T. Delfrooz. Tehran: Office of Political Studies and Research of the Ministry of Interior. (In Persian)
- Rafipour, F. (1999). *Anatomy of society*. Tehran: Sahami Publications. (In Persian)
- Ritzer, G. (2011). *Sociological theory in the contemporary era*. Translated by: M. Solasi. Tehran: Elmi. (In Persian)
- Ronaghi, M. (2022). Investigating the impact of cultural factors (religious orientation) on social indifference and critical thinking in educational institutions. *Social and Cultural Strategy*, 42, 209-235. <https://doi.org/10.22034/SCS.2022.148729> (In Persian)
- Rosenberg, M. (1954). Some determinants of political apathy. *Public Opinion Quarterly*, 18(4), 349-366.
- Ross, M. H. (1975). Political alienation, participation, and ethnicity: An African case. *American Journal of Political Science*, 291-311.
- Safari, Kh., & Hojjati Kermani, S. (2019). Sociological study of the causes of indifference in Tehran. *Journal of Cultural Studies and Communication*, 16(60), 111-130. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2020.107588.1916> (In Persian)

- Sarfaraz, A., Ahmed, S., Khalid, A., & Ajmal, M. A. (2012). Reasons for political interest and apathy among university students: A qualitative study. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, 10(1), 61-67.
- Serajzadeh, H. (1998). Religious attitudes and behaviors of Tehrani teenagers and its implication on the theory of secularization. *Research Index Journals*, 2(7-8), 105-120. (In Persian)
- Southwell, P. L. (2003). The politics of alienation: Nonvoting and support for third-party candidates among 18–30-year-olds. *The Social Science Journal*, 40(1), 99-107.